

بلاغت که از بساستانی ترین و گسترده ترین دانش‌های بشری است، و روز بروز گستردگی و پیچیدگی آن بیشتر می‌شود، بسیار وسیعتر از آن است که در یک چهارچوب قابل تصور درآید. زیرا بگونه‌ای فزاینده به درون نظام‌های انسان‌شناسی، زیان‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه، سیاست و دیگر دانش‌های نظری در می‌آید و به منزله ابزار و روش، نقش کلانی در شناخت، انتقال آگاهی، تأثیر و حتی سلطه بر مخاطبان ایفا می‌کند. از این رو نظریه پردازان رشته‌های فوق ناگزیرند ذهنیت و تصور خویش را از بلاغت بازسازی کنند و اصطلاحات و مفاهیم بلاغی را بنا به نیاز دانش خویش و متناسب با آن بازپردازی نمایند.

دائرة المعارف بلاغت، از سهم بلاغت در دیگر نظام‌های معرفت نظری بحث می‌کند و چشم‌انداز تازه‌ای از بلاغت بیست قرن گذشته را به نمایش می‌گذارد. این دائرة المعارف یک کتاب مرجع است که مدخل‌های آن به صورت الفبایی مرتب شده و شامل اصطلاحات، ادوار، اشخاص، مفاهیم و کاربردهای دانش بلاغت می‌شود. البته نمی‌توان گستره دوهزار و پانصد ساله بلاغت را از جنبه‌های تاریخی، نظری و کاربردی در یک مجلد محدود ساخت و تاریخ این دانش چندان فربه است و چنان سرشت متلون و نظام ناپذیری دارد که به دشواری می‌توان آن را در یکی دو جلد ارائه کرد. دائرة المعارف بلاغت و نگارش دارای ۴۶۷ مدخل است و از حدود نیم میلیون واژه تشکیل شده است مدخل‌ها در این کتاب در چهار شکل ارائه شده:

۱- مدخل‌های خلاصه و کوتاه در حد یک ستون که معمولاً تعریف اصطلاحات، معرفی برخی اشخاص یا مفاهیم‌اند.

۲- مدخل‌های مفصل‌تر در حد ۶ ستون که استادان، تر و محققانه‌تر است (مانند هرمنوتیک، نیچه)  
۳- مقاله‌های ۸ تا ۱۰ ستونی که به بررسی مفصل و عمیق یک عنوان اختصاص یافته، مانند: ارسطو، بلاغت فمینیستی (Rhetoric of feminism)

۴- مقالات بلند (Full Articles) که غالباً به مباحث روش‌شناسی و اصطلاحات اساسی بلاغت اختصاص یافته است، مانند ابداع (Invention)، مناظره و جدل (argument)

در تدوین و آماده‌سازی این کتاب ۲۸۸ نفر از استادان و محققان دانشگاهی سهمیه هستند که غالباً از متخصصان علم بلاغتند و یا در یک موضوع بلاغی تحقیق بلیغی انجام داده‌اند. کتاب برای دانشجویان بلاغت و سخنوری، متخصصان ادبیات، زیان‌شناسی و دیگر رشته‌های علمی که می‌خواهند درباره بلاغت اطلاعات بیشتری کسب کنند فراهم آمده است. کلیت کتاب، شمای تاریخی و سیر تکاملی نظام بلاغت را به تصویر می‌کشد و روند شکل‌گیری این دانش را به دقت تبیین می‌کند. از قدیم‌ترین اصطلاحات و مفاهیم بلاغت و سخنوری در آتن باستان تا تازه‌ترین اصطلاحات و شگردهای بلاغی در این کتاب جمع آمده و در کنار هم چنان نشسته‌اند که کهنه و نو در یک رشته منسجم کشیده شده‌اند.

در ذیل هر مدخل کتاب‌شناسی دقیقی آمده و منابع کلیدی و اساسی و مناسب مطالعه درباره آن عنوان معرفی شده است.

کتاب چشم‌انداز بلندی از بلاغت و نقش آن در نظام‌ها و روش‌های آموزشی و ارتباطی نوین را به نمایش می‌گذارد. سهم بلاغت در زمینه‌های مختلف علوم انسانی را نباید نادیده گرفت، نقش این دانش فراگیر و مؤثر را در آموزش زبان، و هنرهای زبانی (ادبیات، نمایشنامه، سینما) در سیاست و مناظره و سخنوری و فنون مختلف تبادل اندیشه‌ها در این کتاب می‌توان شناخت. گاه با نام کسانی در این دائرة المعارف برمی‌خوریم که هیچگاه تصور نمی‌کنیم نام و یاد آنها در آثار بلاغی آمده باشد مانند کارل پوپر فیلسوف معاصر انگلیسی (۱۹۰۲-۱۹۹۴) اما در این کتاب نام او عنوان یکی از مدخل‌هاست و فلسفه شکاکیت او در علوم تجربی به عنوان یک اندیشه ضدبلاغی مطرح شده است، نام فیلسوفان و اندیشمندان مانند ایمانوئل کانت، ژان پیازه، آدام اسمیت، برتراند راسل، نیچه،

ارنست کاسیرر، میشل فوکو، گادامر، نیز عنوان مدخل‌های کتاب است که اندیشه‌ها و آراء ایشان در باب بلاغت و دانش سخنوری و سخن‌سنجی به تفصیل بررسی شده است. و پیوند مستحکم زبان، ادبیات و فلسفه را می‌توان در این دائرة المعارف به خوبی مشاهده کرد.

واژه Rhetoric (= بلاغت) در این دائرة المعارف مفهومی بسیار گسترده‌تر از مفهوم بلاغت فارسی و عربی دارد. بلاغت در معنای خاص آن، در زبان عربی و فارسی محدود به صناعات شعری و آرایه‌های سخن می‌شود، یعنی تکیه بر فن شعر (Poetic) و جنبه زیبایی‌شناسی سخن دارد. اما رتوریک (که در یونان باستان به معنی فن خطابه و سخنوری بوده) در این دائرة المعارف بر کلیه تمهیدات، شگردها، صناعات و هر گونه کاربرد گفتاری نوشتاری و حتی رفتاری که موجب تأثیر در مخاطب و انگیزش و تحریک وی شود اطلاق می‌گردد؛ یعنی اساس رتوریک بر تأثیر (influence) و انگیزش (Persuasion) استوار است اما در تاریخ بلاغت اسلامی مسأله سخنوری و تأثیر و اغوا و انگیزش کمتر مورد نظر بوده و بیشتر به جنبه‌های تأثیر ناشی از زیبایی‌شناسی سخن پرداخته شده که آنهم بعد از قرن ششم دچار تکرارهای ملال‌آور گردید. شاید ارائه فهرستی از برخی عناوین این دائرة المعارف بتواند رویکرد بلاغی این کتاب را روشن سازد. سوای اصطلاحات شناخته شده و معروف بلاغی مانند مجاز (Synecdoche) ذکر کل و اراده جزء، طنز، و تهکم (Irony) عمل نمادین (Symbolic action) استعاره، کنایه، اسطوره، سبک، معناشناسی و امثال آنها به اصطلاحات بسیار جالب و تازه‌ای برمی‌خوریم که هر کدام مدخل خاص و بعضاً مفصلی را به خود اختصاص داده‌اند. برخی از این اصطلاحات عبارتند از:

بلاغت اعتراض، بلاغت سکوت، بلاغت سیاسی، بلاغت زنانه، بلاغت الکترونیکی (رشته‌ای که به مطالعه تأثیر ابزارهای الکترونیکی بر زبان و بیان و اندیشه آدمی و نیز طرز نوشتن و خواندن متون الکترونیکی می‌پردازد) بلاغت آگهی‌های تبلیغاتی، بلاغت مارکسیستی، بلاغت فیلم، بلاغت و داستان، بلاغت و روان‌درمانی، بلاغت و تکنولوژی، بلاغت روان‌شناسی، بلاغت زایا، بلاغت علم (Science)، بلاغت سفسطه‌ای، بلاغت فلسفی، بلاغت مذهبی، جدال فلسفی، انگیزش، نقد ادبی، نقد بلاغی، بلاغت

محمود فتوحی

# دائرة المعارف بلاغت و نگارش

آفریقایی، آمریکایی، چینی، یونانی، عربی و... بلاغت تمسخر، نظریهٔ روایت، مثلث ارتباطی، کاربرد کامیوتر در بلاغت.

برای آشنایی بیشتر با روش این دایرةالمعارف ترجمهٔ مدخل «بلاغت سکوت» تقدیم می‌شود.

بلاغت سکوت (Rhetoric of Silence)

بلاغت بیشتر از قالب و لژگان و یا اشارات سر و دست برای بیان مقاصد و مفاهیم مورد نظر استفاده می‌کند. سکوت نیز می‌تواند کارکرد بلاغی داشته باشد، البته هر سکوتی بلاغی نیست، هنگامی کارکرد سکوت بلاغی و مؤثر می‌شود که بطور استراتژیک و عمدی در موقعیت‌های خاص سیاسی و عمومی اعمال شود. این نوع سکوت چهار ویژگی دارد:

۱- در تقابل با توقعات و انتظارات مردم، به کار گرفته می‌شود.

۲- از سر قصد و تمردی است.

۳- مقاصد و انتظارات قابل پیش‌بینی جامعه را فاش می‌کند.

۴- این سکوت بر مقاصد و معانی موقعیت خود تأثیر می‌گذارد به جای اینکه موقعیت (مثلاً سیاسی) بر مقاصد تأثیر بگذارد.

۱) بلاغت سکوت زمانی صورت می‌پذیرد که با استتکاف از ارتباط با مردم، پاسخگویی به انتظارات و توقعات آنان مسکوت نهاده شود. سکوت در عبادتگاه یا در تشییع جنازه (به رسم مسیحیان) سکوت استراتژیک به حساب نمی‌آید، زیرا چنین سکوتی، یک رسم متداول است و همگان انتظار آن را دارند. اما یک رهبر سیاسی که در شرایط بحرانی باید دربارهٔ آن بحران برای مردم سخن بگوید، سکوت پیشه می‌کند و یا یک سخنور سیاسی که خیر سخنرانیش در همه جا پیچیده، ناگهان و بی‌هیچ دلیل مقبولی سخنرانی خود را لغو می‌کند، در واقع انتظارات و توقعات تودهٔ مردم را بی‌جواب گذاشته است. این سکوت یک سکوت بلاغی است، بنابراین سکوت بلاغی عبارت است از سکوتی که

نمی‌توان علت آن را توضیح داد یا حداقل سکوتی که علت آن بیان نشده است. اما اگر دلایل سکوت روشن و قابل بیان باشد و بتوان آن را بیان کرد در این صورت توقعات مردم بیشتر خواهد شد و سکوت بلافاصله در کوتاه مدتی به معنی ایستادگی در مقابل انتظارات عمومی است.

۲) سکوت زمانی بلاغت خواهد داشت که قصدی و عمدی به نظر آید و چنین استنباط شود که این سکوت یک عمل هوشمندانه است و کوتاهی یا تساهل ساده و یا به دلیل اشتغال به امور دیگر نیست، عکس‌العمل‌های تودهٔ مردم ممکن است غیر آن چیزی باشد که شخص ساکت طراحی کرده است. اما انتخاب سکوت در مقابل انتظارات عمومی را باید یک تدبیر به حساب آورد.

۳) سکوت بلاغی، مقاصد و منظوره‌های قابل پیش‌بینی را روی صحنه می‌ریزد. در محیط‌ها و موقعیت‌های غیرشخصی و عمومی مقاصد سکوت از موقعیتی تا موقعیت دیگر متفاوت خواهد بود، مثلاً سکوت همسران (در موقعیت‌های خاص) ممکن است به معنی صمیمیت یا خصومت و یا امر دیگری باشد. البته بسته به کسانی که در آن موقعیت قرار دارند و نیز شرایط و اقتضای حال فرق می‌کند. اما سکوت بلاغی، یک امر همگانی و عمومی است و به علت عمومی بودن اهمیت سیاسی پیدا می‌کند، بویژه آنکه سکوت بلاغی در سیاست عیناً، جایگزین تکلم و گفتار می‌شود. همانطور که گفتگو نقش‌های ویژه و تنوع ناپذیری در سیاست بازی می‌کند سکوت استراتژیک و زیرکانه نیز به طور صریح دارای معانی روشنی است. زیرا همگان منتظر سخن‌اند اما با سکوت مواجه می‌شوند. به دیگر سخن از آنجا که کلام و گفتار در سیاست کارکردهای معین و قابل پیشگویی دارد، سکوتی که جانشین آن می‌شود نیز مقاصد قابل پیش‌بینی در خود دارد.

در سیاست یکی از راه‌های روشنگر مناسبات و ارتباطات، گفتگوست. بنابراین سکوت بلاغی، در میان مردم به معنی کتمان و عدم قطعیت در مقام ارتباط است. گفتگو در سیاست شکلی از عمل به شمار می‌آید. بنابراین سکوت بلاغی به معنی مدارا و کنار نهادن ابتکار عمل سیاسی است. فرض کنید رئیس‌جمهور آمریکا نیروی دریایی این کشور را برای مداخله در یک جنگ نظامی به جنوب آمریکا بفرستد، در همان آغاز این نیروها گرفتار بلایای سخت و شکستی سنگین

شوند، فرض کنید رئیس‌جمهور دربارهٔ این شکست هیچ نگویید نه در سخنرانی‌ها و نه در کنفرانس‌های مطبوعاتی. در چنین شرایطی سوءظن‌ها نسبت به عدم تعهد و بی‌مسئولیتی رئیس‌جمهور در صفحات روزنامه‌ها منعکس خواهد شد، گمانه‌زنی دربارهٔ علت سکوت وی و شگفتی این سکوت در همه جا آغاز می‌شود. سوءظن به بی‌ارادگی رئیس‌جمهوری، سؤال‌های مربوط به انگیزه‌های پنهان و سیاسی که در ورای این سکوت وجود دارد همان معانی و مقاصد قابل پیش‌گویی است که این سکوت به دنبال خواهد داشت. بیشترین بار معنایی پیام در موقعیت و اقتضای حال جلوه می‌کند. و پیام‌ها بیشتر معنای خود را از موقعیت بیرون می‌کشند، اما سکوت بلاغی به دلیل اینکه مفاهیم و مقاصد قابل پیش‌بینی را به صحنه می‌کشد می‌تواند جایگزین گفتگوی سیاسی شود. به همین دلیل هم این نوع سکوت برخی مقاصد را وارونه می‌کند، مانند اینکه در مفاهیم موقعیتی خود تأثیر می‌گذارد. یعنی سکوت بلاغی مردم را ترغیب می‌کند تا موقعیت سکوت را به منزلهٔ یک امر مکتوم و غیرمطمئن در مناسبات و روابط بنگرند و سکوت را مدارا و ابتکار عمل به حساب آورند.

فرض کنید که یک بحران خارجی کشور را تهدید به جنگ می‌کند. تا آن لحظه رئیس‌جمهور از سخن گفتن با مردم پرهیز کند، موقعیت جنگ و سیاست‌های رئیس‌جمهور به اندازهٔ ابزار سکوت او تأثیر نخواهد داشت. سکوت او مردم را وامی‌دارد تا منظورها و مقاصد پنهان و نامعین مدارا و پشت کردن به مردم، ارتباط با دشمن و امثال آن را به رئیس‌جمهور و اعمال او نسبت دهند. بحران شخصیت رئیس‌جمهور و رفتار سیاسی او در چنین موقعیتی بیشتر به واسطهٔ سکوت او برجسته می‌شود تا به وسیلهٔ موقعیت جنگ! یعنی تأثیر سکوت بر موقعیت بیش از تأثیر موقعیت بر مفاهیم است.

سکوت بلاغی از جنبهٔ نظری بسیار جالب است. زیرا جنبهٔ بلاغی این عمل به جای اینکه برگزیده متمرکز باشد بر روی شنونده متمرکز است. این سکوت هر چند به منزلهٔ یک استراتژی و ابتکار عمل به کار می‌رود اما شخص سیاستمدار فقط آغازگر آن است. این که سکوت به چه مقاصدی است، و چگونه آن مقاصد بر انتظارات موقعیت خاص که سکوت در آن رخ می‌دهد تأثیر می‌گذارد، همگی توسط جریانی که مخاطبان به حرکت در می‌آورند معین می‌شود.

ENCYCLOPEDIA  
OF  
RHETORIC  
AND  
COMPOSITION

Communication From  
Ancient Times to  
the information age.

By Barry Brummet,  
university of Wisconsin, Milwaukee.

GARLAND publishing, Inc New York London 1996

ENCYCLOPEDIA OF RHETORIC AND COMPOSITION

Communication From Ancient times to the information age.

By Barry Brummet, university of Wisconsin, Milwaukee.

GARLAND publishing, Inc New York London 1996